

## مدیریت انفال و ثروتهای طبیعی در عصر حاضر

حجۃ الاسلام سید فراهانی<sup>(۱)</sup>

### چکیده

یکی از وظایف مهم دولتها، طراحی و اجرای سیاستهای مالی است. بررسی درباره این موضوع، در طول سالهای متمادی، بحثهای فراوانی را در حوزه مالی عمومی به دنبال داشته است. اهداف سیاستها، ارتباطشان با سیاستهای پولی و همچنین ایزارهای آن از مباحث مریبوط به سیاستهای مالی بوده است.

سیاستهای مالی متداول معمولاً از طریق تغییر در مقدار درآمدها و مخارج دولت و نیز ترکیب آنها صورت می‌پذیرد. در حوزه درآمدها، مالیات تنها عاملی است که تغییر نرخ و مبنای آن، منجر به افزایش یا کاهش درآمدهای دولت می‌شود و به تبع در ترکیب مخارج عمومی (GNP) نیز تأثیر می‌گذارد.

در نظام اقتصادی اسلام، دولت اسلامی علاوه بر مالیات، از ثروت سرشار دیگری برخوردار است که نقش تعیین‌کننده‌ای در اجرای سیاستهای مالی دولت دارد. مواهب خدادادی چون زمینهای، معادن، مراتع و جنگلها و آنها بخشی از این ثروت را تشکیل می‌دهد که بعضی از آنها در ملکیت دولت است و بعضی دیگر به عموم مردم تعلق دارد و سرپرستی و اداره آن به عهده دولت است.

در این تحقیق، ضمن بررسی اجمالی این منابع در زمان حاضر، مسائل زیر را بررسی خواهیم کرد:

۱- چگونگی مدیریت ثروتهای طبیعی از راههای مختلف (تصدی، واگذاری، نظارت و مشارکت).

۲- چگونگی اجرای سیاستهای مالی از طریق این منابع.

۳- نقش استفاده از انفال در متغيرهای کلان اقتصادی (اشغال، تولید و سطح قیمتها). در منابع روایی و نیز کتب فقهی ثروتهای طبیعی را تحت سه عنوان کلی انفال، مشترکات عمومی و مباحثات می‌توان جستجو کرد. از آنجاکه برخی از مصاديق این عناوین، مثل زمینهای موات، معادن و آبها در نزد فقیهان نیز در قوانین مدنی و اجرایی کشور به طور متفاوتی ذکر شده‌اند، در ابتدا به تبیین این عناوین می‌پردازیم.

۱. عضو هیأت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

## انفال

انفال از ریشه «نفل» به معنای «زيادة» است و به مطلق غنیمت جنگی نیز اطلاق می‌شود<sup>(۱)</sup> در روایات اهل بیت (ع) انفال عمده‌تاً به مصاديق آن تعریف گردیده و در برخی موارد به معنای اموال خاص رسول خدا (ص) و امام معصوم (ع) استعمال شده است.<sup>(۲)</sup>

در کلام فقیهان نیز اغلب انفال با ذکر مصاديق آن آمده است. با وجود این در بعضی از کتب تعریفی برای آن ذکر شده است. محقق در شرایع فرموده است: انفال اموالی است که امام (ع) مانند پیامبر (ص) به عنوان خاصی استحقاق آن را دارد.<sup>(۳)</sup>

امام خمینی (ره) فرموده‌اند: مواردی که در روایات به عنوان انفال و ملک امام (ع) نام برده شده، همه از باب ذکر مصاديقند و متفاهم از مجموع روایات این است که آنچه مربوط به امام (ع) است عنوان واحدی دارد که منطبق بر موارد زیادی می‌شود و ملاک در همه یکی است و آن این است که هر چیز - اعم از زمین یا غیر زمین - که صاحب و ملکی نداشته باشد، برای والی است که آن را در مصالح مسمانان مصرف می‌کند و این امر در بین دولتها نیز متداول است.<sup>(۴)</sup>

## موارد انفال

در کتب فقهی برای انفال، مصاديق مختلفی ذکر کرده‌اند. شیخ طوسی این مصاديق را ۱۱ مورد، شیخ مفید و ابن زهره ۹ مورد، علامه ۱۰ مورد، صاحب حدائق ۸ مورد و امام خمینی (ره) ۱۰ مورد ذکر کرده‌اند. در بعضی کتابها نیز این مصاديق تا ۱۴ مورد بر شمرده شده است. این اختلاف در تعداد معمولاً به این علت است که برخی، موارد جزئی و

۱. برای اطلاع بیشتر از معنای انفال در لغت به کتابهای زیر مراجعه کنید:  
لسان العرب، ابن منظور، ج ۱۴، ص ۲۴۵-۲۴۶؛ فرهنگ فارسی، دکتر محمد معین، ج ۱، ص ۳۸۴ و ج ۴، ص ۴۷۷۷؛ لغت نامه دهخدا، علی اکبر دهخدا، ج ۸، ص ۴۲۱ و ج ۴۶، ص ۶۷۴.
۲. العاملی، محمدبن الحسن الحنفی، رسائل الشیعه، ج ۶، باب ۱، از ابواب انفال، ج ۲۳ و ۳۲، دار احیاء التراث العربی؛ الكلینی، محمدبن یعقوب، الكلینی، ج ۱، ص ۵۳۹ و ج ۲، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۳. المحقق الحلی، شرایع الاسلام، ج ۱، ص ۱۸۳، دارالاکسون، بیروت، الطبعة الثانية، ۱۴۰۳ هـ.
۴. الامام خمینی، کتاب البیع، ج ۳، چاپ چهارم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ص ۲۵ و ۲۶.

مصادیق را نیز قسمی جداگانه ذکر کرده‌اند. موارد زیر در اکثر کتب فقه از انفال دانسته شده است.

۱- اموالی که بدون جنگ از کفار گرفته می‌شود،

۲- زمینهای موات،

۳- زمینها یا به طور کلی اموالی که مالک ندارند،

۴- دامنه کوهها، دره‌ها، جنگلها، مراتع، سواحل دریاها و رودخانه‌ها،

۵- معادن،

۶- میراث کسانی که وارث ندارند،

۷- غنایم جنگهایی که بدون اذن امام(ع) انجام شده است،

۸- اموال و داراییهای نفیس و اختصاصی پادشاهان،

۹- دریاها و رودخانه‌ها.<sup>(۱)</sup>

## مشترکات

اموالی که همه مردم در استفاده و بهره‌برداری از آنها برابرند، از قبیل راهها، اماکن عمومی، پلها، شبکه‌های آبرسانی و مساجد، مصادیق مشترکات عمومی‌اند. درباره مالکیت این مشترکات نیز تغایر مختلفی به کار برده شده، مانند اینکه مشترکات متعلق به مجموع اهل کشور یا همه افرادی که با آن سر و کار دارند یا همه مسلمین هستند. ایران پاره‌ای از این مشترکات عنوان اموال عمومی مصرفی شده‌اند؛ مانند راههای عمومی، پلها، کاروانسراها، آب انبارهای عمومی، مدارس و مساجد، قنوات و چاههایی که مورد استفاده عموم است. در این قانون همچنین آمده است که استفاده از این اموال نباید به صورت انحصاری درآید، ولی کسانی که زودتر شروع به بهره‌برداری از آنها کرده‌اند، دارای حق تقدم نسبت به دیگران هستند.

۱. ر.ک. آیة‌الله شیخ محمد حسین نجفی، جواهر الكلام، ج ۱۶، ص ۱۱۶، دار احیاء التراث العربي، بیروت، الطبعه السابعة، الشهید الثاني، مسالك الافهام، ج ۱، ص ۴۷۳؛ آیة‌الله السيد محسن الطباطبائی الحکیم، مستمسک العروة الوثقی، ج ۹، بیروت، دار احیاء التراث العربي، ص ۵۹۷

واژه «مشترکات» در عبارات فقهی در سه مورد به کار برده شده است: آبها، معادن و مراتع.<sup>(۱)</sup> البته نسبت به برخی از مصادیق چون معادن و مراتع، همان طور که بعد بیان می‌کنیم، اختلاف نظر وجود دارد. عده‌ای آنها را از انفال شمرده‌اند و برخی نیز از مباحثات دانسته‌اند.

بخش دوم که در کتب فقهی به عنوان «مباحثات اصلیه» یاد شده، ثروتهايی است که دست بشر در خلق و تولید آنها دخالت نداشته و از طرفی بیش از همه مورد بیشترین نیاز مردم است و باید همه افراد در بهره‌گیری از آن برابر باشند. منابع آبی، شکار در بیابان و دریا و همچنین مراتع را می‌توان از مصادیق مباحثات دانست. در روایات زیادی از طریق اهل سنت و امامیه وارد شده است که مردم در آب و آتش (مواد سوختنی چون هیزم، نفت و ...) شریکند<sup>(۲)</sup> و در بعضی روایات نیز از نمک نام برده شده است.<sup>(۳)</sup>

در عبارت برخی از فقهاء در تعریف مباحثات آمده است: مقصود از مباح بودن آن است که این اموال با اینکه ارزش و مالیت دارند ولی درباره آنها، ملکیت به طور کلی (نه ملکیت خصوصی و نه عمومی) اعتبار نشده است. البته ولی امر مسلمین بر تمام آنچه در قلمرو حکومت است ولايت دارد و می‌تواند برای استفاده از این اموال با درنظر گرفتن مصالح امت اسلامی ضوابطی مقرر کند.<sup>(۴)</sup>

در ماده ۲۷ قانون مدنی آمده است: «مباحثات اموالی هستند که ملک اشخاص نمی‌باشند و افراد می‌توانند مطابق مقررات آنها را تملک کرده و از آن استفاده نمایند». در این قانون اراضی موات، آب‌های مباح و معادن از مباحثات شمرده شده است.

آنچه در تعریف مباحثات معتبر است این است که اولاً: «این اموال در ابتدا مانند مشترکات، ملک کسی نیستند، ولی امکان تملک یا انتفاع از آنها بر طبق قانون وجود دارد؛ و ثانیاً خرید و فروش مباحثات در صورتی که حیازت شده باشند امکان‌پذیر است؛

۱. امام خمینی؛ تحریر الرسیله، ج ۲، مؤسسه مطبوعاتی اسماعلیان، ص ۲۰۹.

۲. ابرداورود. کتاب بیع، ص ۶، وسائل الشیعه؛ ج ۱۷ کتاب احیاء موات، باب ۵، ح ۱.

۳. همان. ج ۲.

۴. مالکیت عمومی و انسام آن، مقاله ارائه شده توسط آیة‌الله‌مؤمن در دومین مجمع بررسی‌های اقتصاد اسلامی؛ ص ۱۴۷.

ولی مشترکات یعنی قسم اول مشترکات که از آنها به عنوان مشترک یاد کردیم - قابل خرید و فروش نیستند، زیرا همان‌طور که گفته شد این اموال قابل تملک نیستند.

### زمینهای مفتوح العنوه

زمینهایی که با لشکرکشی و جنگ از دست کفار گرفته شده باشد، در همه زمانها در ملکیت عموم مسلمانان قرار دارد و دولت اسلامی به نمایندگی از همه مسلمانان سرپرستی این نوع از زمین‌ها را به عهده دارد و باید آنها را بر اساس مصالح مسلمانان به کار گرفته، درآمد حاصل را برای رفع نیازهای آنان مورد استفاده قرار دهد. تفاوت این دسته از ثروتها با مباحثات در این است که در به دست آمدن مباحثات - همان‌طور که اشاره شد - مردم هیچ دخالتی نداشته‌اند و صرفاً مستند به طبیعت هستند، برخلاف زمین مفتوح العنوه که امت اسلامی در تحصیل آن دخالت دارند و به همین علت قابلیت تملک ندارند و برای همیشه در ملکیت عموم مسلمین هستند و فقط می‌توان با روشهایی که در بخش‌های بعد اشاره می‌کنیم از آنها بهره‌برداری کرد.

در پایان این بخش تذکر این نکته ضروری است که بر طبق اصل ۴۵ قانون اساسی کلیه ثروت‌های طبیعی ملی شده و متعلق به عموم مردم است. در این قانون آمده است: «انفال و ثروتهای عمومی از قبیل زمینهای موات یا رها شده، معادن، دریاها، دریاچه‌ها و رودخانه‌ها و سایر آبهای عمومی، کوهها، دره‌ها، جنگلها، نیزارها، بیشه‌های طبیعی، مراتعی که حریم نیست، ارث بدون وارث و اموال مجھول المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد می‌شود در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل نماید».

### مدیریت ثروتهای طبیعی

بعد از اینکه معلوم شد در زمان غیبت و شرایط محقق بودن چاکمیت اسلام در جامعه، تمامی انفال به ولی امر مسلمانان اختصاص دارد و مدیریت سایر ثروتهای عمومی نیز به عهده او است و تصرف مردم بدون اجازه وی جایز نیست، باید نحوه و

چگونگی بهره‌برداری از این ثروتها بررسی شود.

در این بخش، راههای مختلفی که برای استفاده از این منابع متصور است مطرح می‌گردد. البته ترجیح برخی از این راهها بر طرق دیگر، بستگی به اندازه مطلوب دولت و وظایف و اختیارات آن و ارتباطش بخش خصوصی دارد که نیاز به مجالی مستقل دارد. به علاوه شرایط و خصوصیات هر زمان نیز می‌تواند از عوامل تعیین‌کننده در این خصوص باشد.

دولت اسلامی به چند طریق می‌تواند از این منابع استفاده کند:

#### ۱- تصدی مستقیم توسط دولت

بخش دولتی می‌تواند در منابع طبیعی (اراضی، جنگلها، معادن، دریاها و...) خود اقدام به سرمایه‌گذاری کند و با تشخیص اولویتهای زمانی و منطقه‌ای و نیز رعایت مصالح نظام، به آباد ساختن اراضی، ساختن شهرکها و مجتمعهای مسکونی، استخراج معادن و منابع زیرزمینی، تأسیس صنایع برای بهره‌برداری و تبدیل مواد، تأسیس و گسترش مزارع کشاورزی، فعالیت در بخش خدمات و... پردازد.

به نظر می‌رسد این روش بیشتر در استخراج معادن بزرگ و حساس چون نفت و طلا و نیز صنایع استراتژیک و حافظ منافع ملی، همانند صنایع دفاعی و همچنین تولید کالاهای و دادن خدماتی که بخش خصوصی انگیزه برای اقدام نسبت به آنها ندارد را (کالاهای عمومی) مؤثر است.

#### ۲- استفاده از مشارکت مردم

بخش دولتی می‌تواند فعالیتهای مذکور را با مشارکت مردم واستفاده از سرمایه و نیروی کار آنان انجام دهد. مشارکت از راههای مختلف امکان‌پذیر است.

##### الف - برقراری عقد مشارکت با بخش خصوصی

دولت می‌تواند از طریق انتقاد قرارداد مشارکت با بخش خصوصی در پروژه‌های

مختلف، مثلاً طرح کشاورزی، احیای زمین موات و ... اقدام به سرمایه‌گذاری کند. طبیعی است سهم سود دولت در این قراردادها باید رابطه منطقی با سود انتظاری طرح داشته باشد، یعنی در مناطق و در طرح‌هایی که رغبت بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری در آنها بیشتر است، دولت می‌تواند به طور مناسب، سهم بیشتری طلب کند، اما در طرح‌هایی که دارای سود انتظاری کم بوده، در نتیجه رغبت برای سرمایه‌گذاری در آنها کمتر است و در عین حال، انجام یافتن آنها برای رشد و توسعه کشور و ایجاد اشتغال و ... مناسب است، دولت باید سهم کمتری از سود را برای خود قرار دهد و گاه نیز کمکهایی برای انجام آنها به متقاضیان بدهدند. از عقد مشارکت در فعالیتهای خدماتی و تولیدی در بخش‌های مختلف صنعت، تجارت، کشاورزی و یا غداری می‌توان استفاده کرد. البته در این عقد، همه شرکا باید در سرمایه شریک باشند. به علاوه شریکانی که در طرح، فعالیت عملی دارند می‌توانند افزون بر استفاده از سهم سود خود، حقوق فعالیت خود را هم دریافت دارند یا اینکه به علت کار، سهم بیشتری از سود را بردارند.

همچنین مشارکت بین دولت و بخش خصوصی از طریق انتشار اوراق مشارکت طرح‌های ملی امکان‌پذیر است. نشر این اوراق به چند صورت امکان دارد:

الف - دولت در ابتدا از ذخایر و داراییهای خود اقدام به سرمایه‌گذاری در منابع طبیعی کند و بعد از ثمردهی یا در حین انجام یافتن طرح، سهام آن را به شکل اوراق مشارکت بین متقاضیان توزیع کند. این کار از طریق بانک نیز ممکن است، یعنی سپرده‌گذاران به جای عمل سپرده‌گذاری در بانکها می‌توانند اوراق سهام مشارکت دولتی را بخرند.

ب - بانکها می‌توانند به وکالت از دولت و صاحبان سپرده و با وجوده آنها اقدام به سرمایه‌گذاری در این منابع کرده، اسناد مالکیت را به صورت سهام بین سپرده‌گذاران توزیع کنند. این سهام و همچنین سهام قسمت «الف»، توسط بانک و همچنین در بازار بورس قابل خرید فروشند.

ج - بخش خصوصی نیز همانند بانک می‌تواند با در نظر گرفتن شرایط دولت و با

استفاده از این منابع، اقدام به سرمایه‌گذاری در طرحهای صنعتی، کشاورزی و عمرانی کرده، سپس اوراق سهام آن را از طریق بازار بورس یا بانکها، مورد خرید و فروش قرار دهد. بهتر است این طرحها به گونه‌ای سازماندهی شوند که در راستای تحقق اهداف اقتصادی کشور باشد. همچنین بخش خصوصی می‌تواند با استفاده از این منابع، اقدام به اجرای آن دسته از طرحهای ملی کند که اداره آنها به عهده دولت است - مانند ساخت دانشگاهها، مدارس، پارکها و بزرگراهها، و سپس آنها را به دولت اجاره دهد و در عین حال سهام این طرحها را در بازار به فروش برساند. در این حالت که دولت اقدام به اجاره طرحهایی می‌کند که سهامشان بین مردم توزیع شده چون، مبلغ اجاره به صورت سود مشخص و قطعی بین صاحبان سهام تقسیم می‌شود، اشخاصی که کمتر ریسک‌پذیرند، رغبت بیشتری برای خرید سهام این مؤسسات از خود نشان می‌دهند.

### ب - سایر عقود

دولت می‌تواند با توصل به عقودی چون، مزارعه، مساقات، جعاله، صلح، واگذاری مستقیم، واگذاری منافع قابل بهره‌برداری و واگذاری مالکیت صدور پروانه اقدام کند.

معرفی اصول کلی در اتخاذ راهبردهای مناسب به منظور مدیریت انفال بعد از بیان راههای مختلف در مدیریت ثروت طبیعی، برگزیدن هر یک از آنها در شرایط مختلف، منوط به تبعیت ۱٪ اصولی زیر است:

#### ۱- اصل کارایی

یکی از معیارهای اساسی در تصدی مدیریت انفال توسط دولت یا واگذاری آنها به بخش خصوصی، معیار کارایی و تأمین اهداف مورد نظر اقتصادی است. موافقان خصوصی‌سازی عقیده دارند که حرکت به سوی بازار، همراه با افزایش کارایی است. ساز و کار بازار مالی، بازگشت سرمایه را برای جلب رضایت سرمایه‌گذاران و سهامداران الزامی می‌کند. این ساز و کار در بهبود و ارتقای عملکرد شرکتها بسیار قوی‌تر از

سرمایه‌گذاریهای ناهمانگ و سیاستهای اعتباری دولت است، زیرا تصمیمات در کادر دولتی بر اساس ضرورتهای کوتاه مدت سیاسی گرفته می‌شود، در حالی که تصمیم‌گیری در بخش خصوصی ضرورتاً بر اساس سیاستهای دراز مدت و عقلانیت اقتصادی استوار است.<sup>(۱)</sup> یکی از عوامل مهم در افزونی کارایی در بخش خصوصی، وجود عنصر رقابت در این سیستم است، به گونه‌ای که در برخی از منابع، هدف اصلی از واگذاری فعالیتهای دولتی به بخش خصوصی، ایجاد ساختاری رقابتی برای فعالیتهای مورد نظر ذکر شده است.<sup>(۲)</sup> فشار رقابت در بازار، تولیدکنندگان را مجبور می‌سازد که هزینه‌های تولید را به حداقل برسانند. کاهش هزینه‌ها عموماً با تغییر تکنیک تولید صورت می‌گیرد و این تغییر نیازمند انگیزه نوآوری و ابتکار است. بنابراین از تاثیح این ساز و کار بازار آزاد، بالا رفتن کارایی مولد<sup>(۳)</sup> و به وجود آمدن طبقه کارآفرین خلاق در جهت بالا بردن قدرت تولید اقتصادی است.<sup>(۴)</sup>

## ۲- اصل عدالت

سیاری از مکاتب اقتصادی، تأمین عدالت را از اهداف خود معرفی کرده، راهبردهای پیشنهادی خود را نیز مبتنی بر اصل عدالت دانسته‌اند. حتی آدام اسمیت نیز حرکت بر اساس نظم طبیعی را در جارچوبی از قوانین و عدالت امکان‌پذیر می‌داند.<sup>(۵)</sup> در اسلام نیز هماهنگ با سایر ادیان الهی که یکی از اهدافشان را برقراری قسط و عدل دانسته‌اند،<sup>(۶)</sup> بر این موضوع تأکید فراوان شده است. علی‌رغم آنچه گفته شد در برخی از الگوهای رشد، بر افزایش سهم ثروتمندان از درآمد ملی -که قدرت پس‌انداز بیشتری دارند- تأکید می‌شود تا در سایه آن، تولید ناخالص ملی فزونی یابد و تهیستان نیز از

۱. محمود؛ متولی، خصوصی سازی یا ترکیب مطلوب دولت و بازار، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۷۳، ص ۲۰.

۲. مسعود، نیلی؛ اقتصاد ایران، ص ۴۶۳. مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه، ۱۳۷۶.

۳. متولی، ۱ و ۲.

۴. گروهی از نویسندها، خصوصی سازی از تئوری تا عمل، انتشارات آگاه، ۱۳۷۴، ص ۴۰ و ۴۱.

۵. حسین، وحیدی. تاریخ عقاید اقتصادی، انتشارات کتابخانه سنایی، ۱۳۴۶، ص ۱۲۹.

۶. سوره حدید، آید، ۲۵.

زندگی بهتر برخوردار شوند. در این الگوها، تأمین امنیت، آموزش و رفاه همگانی اهدافی است که پس از گذر از یک بی عدالتی آشکار تحقق می‌یابد. این الگوها، حتی اگر توانایی تأمین اهداف فوق را داشته باشند - که تجربه خلاف آن را ثابت کرده - در نظام اقتصادی اسلام مجاز نیستند؛ زیرا با اصل عدالت اجتماعی منافات دارند. افزون بر این، ائمه (ع) بر این نکته تأکید ورزیده‌اند که اگر مسلمانان بدین اصل وفادار باشند و آن را در جامعه رعایت کنند، مشکل فقر و بیچارگی مردم از میان می‌رود و همه به آسایش و رفاه دست می‌یابند. امام باقر(ع) می‌فرماید: اگر در میان مردم عدالت اجرا می‌شد، بی‌نیاز می‌شدند.<sup>(۱)</sup>

حضرت علی (ع) می‌فرماید: با اجرای عدالت، برکات خداوند مضاعف می‌شود.<sup>(۲)</sup> مدیریت ثروتها طبیعی از طریق واگذاری به بخش خصوصی یا مشارکت با آن باید به گونه‌ای باشد که با این اصل منافات نداشته باشد و منافع آحاد مردم و رفاه عمومی آنان را تأمین کند.

نکته قابل توجه در این باره این است که در میزان استفاده از این منابع و چگونگی بهره‌برداری از آنها، منافع نسلهای آینده نیز باید ملحوظ گردد. به همین علت برخی از فقیهان با تفکیک قابل شدن یین درآمد و ثروت، انفال را ثروت دانسته‌اند و مصرف آن را در هزینه‌های جاری مجاز نمی‌دانند، بلکه معتقدند که درآمد انفال را باید در سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی استفاده کرد.<sup>(۳)</sup>

### ۳- استقلال سیاسی و اقتصادی

هدف اسلام این است که امت اسلامی در همه ابعاد زندگی از بنیگانگان مستقل باشد. در این خصوص، استقلال اقتصادی اهمیت خاصی دارد و به تعبیر امام خمینی (ره) وابستگی اقتصادی، منشأ همه وابستگی‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است.<sup>(۴)</sup>

۱. اصول کافی؛ ج ۳، ص ۵۶۸.

۲. غرر الحکم؛ ج ۳، ص ۲۰۵ (ابن مضمون در احادیث ۴۲۱۵، ۵۸۰۳، ۵۸۰۴ و ۴۲۱۵ نیز دیده می‌شود).

۳. سخنرانی آیة‌الله جوادی آملی در همایش اقتصاد بدون نفت.

۴. امام خمینی؛ صحیفه نور ۷، ج ۸، ص ۳۹.

مطالعه تاریخ نیز نشانگر آن است که کشورهای استعمارگر عمدهاً از همین طریق توانسته‌اند به مقاصد شوم سیاسی و فرهنگی خود در کشورهای مستعمره و تحت الحمایه دست یابند.

در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که مسلمانان را از اینکه به هر شکل تحت سلطه بیگانگان قرار گیرند، نهی کرده است؛ از جمله آیه شریفه: «ولن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلاً»<sup>(۱)</sup> خداوند هرگز راهی برای کافران [سلطه] بر مؤمنان قرار نداده است. از این آیه استفاده می‌شود که مسلمانان برای حفظ حیثیت اسلامی خود وظیفه دارند از هر گونه عملی که راه نفوذ کفار را برای سلطه بر آنان می‌گشاید، خودداری کنند و از آنجاکه بزرگترین راه نفوذ کفار، تأمین نیازهای اقتصادی است، اعمال سیاستی اقتصادی برای ایجاد خودکفایی در تولید کالاهای اساسی و همیاری عمومی مردم در قطع وابستگی و بستن راههای نفوذ کفار از مهمترین مسئولیتهای امت اسلامی است. ناگفته بیدا است که در غیر کالاهای اساسی مانند گندم، بقیه کالاهای می‌توان با رعایت مزیتهای نسبی و حفظ اصول تجارت خارجی در یک رقبای سال، ارتباطی متقابل با سایر کشورهای جهان داشت؛ یعنی خودکفایی به معنای تولید هرگونه کالا - اعم از ضروری و غیر ضروری - مورد نظر نیست.

در چگونگی استفاده از ثروتهاي طبیعی دقت و تأکید بر این اصل بسیار اساسی است و غالباً کشورهای استعمارگر سلطه سیاسی خود را بر کشورهای ضعیف به منظور سلط بر منابع و ثروت‌های طبیعی این کشورها از یک سو و ایجاد بازار مصرف برای کالاهای تولید شده در کشورهای خود از سوی دیگر اعمال کرده‌اند. تجربه واگذاری امتیاز بهره‌برداری از منابع ملی ایران در رژیمهای گذشته، به روشنی مؤید این گفتار است.

#### ۴- حفظ محیط زیست

در دهه‌های اخیر توجه به حفظ محیط زیست مورد توجه جدی نظریه‌ها و راهبردهای توسعه بوده است، به طوری که «میکسل» می‌گوید: «این بحث پیش پا

افتاده‌ای است که بگوییم حفاظت محیط زیست و حفظ و نگهداری منابع طبیعی در هر برنامه توسعه اقتصادی بسیار مهم است.<sup>(۱)</sup> البته این نگرش به اقتصاد توسعه، بعد از پی بردن بشر به آثار مخرب و زیانبار گسترش بدون حساب صنایع آلوده و ازین رفتار منابع پایان‌پذیر حاصل شده است. اقتصاد محیط زیست، چرخه منابع طبیعی را با فرایند اقتصاد پیوند می‌زند و به بررسی این موضوع می‌پردازد که ما باید چه اقداماتی را برای حفظ سطح بهره‌وری منابع طبیعی پایه از طریق حفاظت منابع پایان‌پذیر، احیای منابع تجدید شدنی، یا تعیین مقدار مجاز فضولات بازیافت نشده قابل جذب توسط محیط زیست انجام دهیم. توسعه پایدار، هدفهای دیگری را نیز دنبال می‌کند، از جمله اینکه بهره‌وری منابع طبیعی پایه فقط باید برای نسل حاضر حداقل شود، بلکه برای تمام نسلهای آینده نیز باید به حداقل برسد.<sup>(۲)</sup>

حفاظت از محیط زیست در نظام حقوقی و اخلاقی اسلام نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و بدون شک یکی از اصول اساسی مدیریت انفال به شمار می‌آید. تأکیدات فراوان پیامبر اسلام (ص) و ائمه اطهار (ع) بر حمایت از حیات حیوانات و حفاظت از اشجار و گیاهان، اهمیت فوق العاده محیط زیست را ثابت می‌کند. پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند «لعن الله قاطع السدر» خداوند لعنت کند کسی را که درخت سدر را قطع می‌کند.<sup>(۳)</sup> در همین باره امام صادق (ع) فرموده‌اند: «انما یکره قطع السدر بالبادیه لانه بها قلیل»؛ یعنی قطع کردن درخت سدر در بیابان ناروا است، زیرا این درخت در آن مکان کم است.<sup>(۴)</sup> همچنین این اثیر در نهایه حدیثی را نقل می‌کند که خداوند شخصی که درخت سدر را قطع کند در آتش می‌افکند. سپس در توضیح این حدیث گفتار ابو داود سجستانی را می‌آورد که یعنی اگر کسی درخت سدری را که رهگذران در بیابان از سایه آن استفاده می‌کنند قطع کند، خداوند او را در آتش می‌افکند.<sup>(۵)</sup>

- 
۱. ریموند، اف، میکسل؛ توسعه اقتصادی و محیط زیست؛ ترجمه حمیدرضا ارباب، انتشارات سازمان برنامه ز پروری، ۱۳۷۶، اف، میکسل؛ توسعه اقتصادی و محیط زیست؛ ترجمه حمیدرضا ارباب، انتشارات سازمان برنامه ز پروری، ۱۳۷۶، ص ۲۷.
  ۲. همان، ص ۳۰.
  ۳. محمدباقر، المجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۳۹۸ و ۳۹۷.
  ۴. وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۱۹۸، ح ۲.
  ۵. بحار الانوار، ج ۶۶، ص ۱۱۳، ح ۷.

از امام علی (ع) نیز نقل شده است که فرموند: پیامبر کشتن زنبور را منع فرمود.<sup>(۱)</sup> ابن عباس می‌گوید: رسول خدا (ص) فرمودند: چیزی را که دارای روح است مورد اغراض خود قرار ندهید.<sup>(۲)</sup>

بدیهی است که هر گاه منابع طبیعی توسط بخش خصوصی و بدون نظارت دولت اسلامی مورد بهره‌برداری واقع شوند - از این نظر که عموماً افراد به دنبال سود ییشتندند می‌باشند - امکان دارد بهره‌برداری آنان موجب آلودگی هوا و آب شده و با از بین رفتن فضاهای سبز و جنگلها و تأسیس کارخانجات دارای ضایعات آلوده کننده و نیز ساختمان سازی لطمات فراوانی به محیط زیست وارد کنند، لذا دولت می‌تواند - با فرض اینکه مالکیت تمام منابع در اختیار او است - می‌تواند در قراردادهایی که به صورت واگذاری یا مشارکت تنظیم می‌کند. برای مؤسسات و شرکتهای دولتی که عهده‌دار بهره‌برداری از این ثروتها هستند، شرایطی را مقرر دارد که با رعایت آنها سلامتی محیط زیست تضمین و تأمین گردد. همچنین بخشی از درآمدها این قراردادها می‌تواند در راه رسیدن به این هدف مصرف شود.

دقت در اصول و مبانی فوق نشانگر این مطلب است که نمی‌توان سیاست واحد و مستمری را نسبت به تمامی منابع طبیعی و در همه زمانها توصیه کرد، بلکه در هر زمان و درباره هر کدام از ثروتهای طبیعی با توجه به شرایط خاص، آن سیاستگذاری جداگانه‌ای ضروری است. و البته گاه نیز ممکن است جمع بین تمامی این اصول میسر نباشد که در این صورت لازم است با توجه به اهداف کلی نظام اقتصاد اسلامی این مبانی رتبه‌بندی شده، مبانی و اصول مهمتر مقدم شوند. به نظر می‌رسد حفظ استقلال سیاسی و اقتصادی و تأمین عدالت نسبت به اصول دیگر دارای اهمیت بیشتری است.

در مجموع و در شرایط عمومی به نظر می‌رسد از میان سه روش کلی تصدی، مشارکت و واگذاری به بخش خصوصی، با اصل حفظ نظارت دولت در تمام این راهها، روش دوم نسبت به بقیه ترجیح دارد، گرچه روش سوم نیز با رعایت مصالح می‌تواند مورد استفاده واقع شود. اما راه اول عموماً به دلیل بالا بودن هزینه، عدم انگیزه یا کم

۱. وسائل الشعبد، ج ۸، ص ۳۵۳، ح ۵. ۲. بحار الانوار، ج ۲۰۴، ۶۴، ح ۷.

بودن آن و هم چنین عدم رقابت به مصلحت نیست، گرچه در برخی شرایط خاص و نیز نسبت به برخی منابع (مثلًاً نفت) راه اول نسبت به سایر راهها ترجیح پیدا می‌کند.

### سیاستگذاری اقتصادی از طریق انفال و ثروتهای طبیعی

همان گونه که در مقدمه این نوشتار گفتیم، یکی از وظایف مهم دولتها و آنچه اصولاً حضور دولت را در اقتصاد ضروری می‌سازد، اجرای سیاستهای اقتصادی و به طور خاص سیاستهای مالی است. در متون اقتصادی، سیاست اقتصادی را چنین تعریف کرده‌اند: «تغییرات سنجیده و حساب شده در ابزارهای اقتصادی به منظور دستیابی به هدفهای اقتصادی معین و از پیش تعیین شده»<sup>(۱)</sup>

همچنین درباره اهداف مورد نظر در این سیاستها تعابیر مختلفی به کار رفته که کلی ترین و جامعترین آنها را ماسگریو به شرح زیر در سه محور تخصیص، توزیع و تثبیت بیان می‌کند:<sup>(۲)</sup>

۱- تدارک کالاهای اجتماعی یا فرایندی که تقسیم کل منابع بین کالاهای خصوصی و اجتماعی، و نیز انتخاب ترکیبی از کالاهای اجتماعی از طریق آن فرایند صورت می‌پذیرد. این تدارک را می‌توان وظیفه تخصیص سیاست بودجه نامید.

مکانیسم بازار برای عرضه کالاهای خصوصی خوب است. این مکانیسم بر مبادله استوار است و مبادله در هر جاکه عنوان مالکیت برای مبادله وجود داشته باشد می‌تواند صورت گیرد؛ اما در جایی که منافع در اختیار همه قرار می‌گیرد، مصرف‌کنندگان چیزی به طیب خاطر به عرضه کنندگان کالاهای اجتماعی نمی‌پردازند. من همراه هزاران یا میلیونها مصرف‌کننده دیگر، همان اندازه که دیگران از مصرف متنفع می‌شوند، سود می‌برم و آنچه من از بابت مصرف می‌پردازم، سهم بسیار ناچیزی از کل است. از این رو پرداخت داوطلبانه‌ای صورت نمی‌گیرد، به ویژه اگر مصرف‌کننده بسیار باشد. ارتباط بین تولید و مصرف، قطع است و دولت باید برای تدارک چنین کالایی گام پیش بگذارد. همان

۱. مجله اقتصاد، بهار ۷۵.

۲. ریچارد دا. ماسگریو و پلی ب. ماسگریو، مالیه عمومی در تئوری و عمل، ترجمه مسعود محمدی و یدالله ابراهیمی فرد، ۱، ناشر سازمان برنامه و بودجه، صص ۷-۲۰.

گونه که در بخش قبل اشاره کردیم یکی از منابع قابل توجه در ارائه کالاهای عمومی توسط بخش دولتی انفال و دیگر ثروتهای ملی است. دولت می‌تواند با استفاده از این منابع درآمدی، خود به تولید کالاهای عمومی و ارائه خدمات اجتماعی پردازد و یا آن را در قالب پروژه در اختیار بخش خصوصی گذارد، هزینه آن را خود متقبل شود.

۲- تعدیل توزیع درآمد و ثروت به منظور انطباق‌پذیری آن با آنچه از نظر اجتماع، وضع مناسب یا عادلانه توزیع تلقی شود، در اینجا حیطه وظیفه توزیع قرار می‌گیرد. در نظام اقتصادی اسلام این هدف در طی سه مرحله توزیع قبل از تولید، توزیع حین تولید و توزیع مجدد صورت می‌گیرد و نقش منابع طبیعی در هر سه مرحله آشکار است.

### الف - پیش از تولید

مقصود از توزیع قبل از تولید، شیوه بهره‌برداری مسلمانان از ثروتهای طبیعی چون زمین، آب و مباحثات عمومی (ماهیها، پرندگان) است. در این مرحله، همان طور که در بررسی فقهی اشاره کردیم، حدودی مشخص شده که از اباشته شدن منابع و ثروتهای یاد شده در دست گروهی خاص و محرومیت گروهی دیگر جلوگیری می‌کند و اولین و مهمترین عامل ایجاد شکاف میان طبقات مختلف جامعه را از میان می‌برد. از جمله این اقدامات، واگذاری منافع این منابع به طور رایگان یا در مقابل مبلغ کم در اختیار گروههای با درآمد پایین است.

### ب - هنگام تولید

وقتی منابع اولیه در جریان تولید قرار می‌گیرد، سود حاصل از آنها میان افرادی که در جریان تولید دخالت داشته‌اند، تقسیم می‌شود. در نظام سرمایه‌داری در این توزیع، تکیه اساسی بر سرمایه است و همین امر، موجب استثمار کارگران می‌شود. در نظام اقتصادی اسلام به لحاظ تحریم بهره، وقتی سرمایه در ریسک تولید شرکت نکند، بهره‌ای از سود ندارد و نیروی کار می‌تواند از طریق مزد یا مشارکت در فرایند تولید و تجارت (مزارعه، مساقات، مضاریه و شرکت) به سهم خود دست یابد.

همان طور که در بخش قبل اشاره کردیم، دولت می تواند در انعقاد قرارداد مشارکت یا اجاره، سهم سود یا اجاره خود را متناسب با وضعیت درآمدی گروههای مختلف مقرر سازد.

#### ج - بعد از تولید (تولید مجدد)

در نظام اقتصادی اسلام، توزیع قبل از تولید و توزیع بعد از تولید تا حد زیادی زمینه را برای تحقق توازن اجتماعی و رفع فقر فراهم می کند، ولی با این همه برای ریشه کن کردن فقر و تحقق کامل توازن اقتصادی، توزیع مجدد درآمدها نیز پیش بینی شده است. قواعد مربوط به توزیع قبل و بعد از تولید در دایره افرادی که قدرت فعالیت اقتصادی را دارند، عمل می کند، اما افرادی که چنین قدرتی ندارند مانند سالخوردها، یتیمان، معلولان و بیماران نیز باید از رفاه متوسط برخوردار شوند.

افرادی که در میدان اقتصاد فعالیت می کنند به سه گروه تقسیم می شوند :

- ۱- افرادی که از استعداد و نیرو و ابتكار لازم برخوردار نیستند و نمی توانند با فعالیت، مخارج خود را در حد رفاه متوسط جامعه تأمین کنند.
- ۲- افرادی که از استعداد و توانایی لازم برای تأمین مخارج مورد نیاز خود برخوردارند.

۳- افرادی که از طریق فعالیت اقتصادی، علاوه بر تحصیل درآمد مکفی برای زندگی خود، مازاد درآمد نیز دارند.

اختلاف بین سه گروه مزبور تکوینی است و در حقیقت اختلافی است که در خلقت انسانها وجود دارد. این اختلاف قابل رفع نیست و در نتیجه گروه سوم به تدریج از گروه اول و دوم فاصله می گیرد و اگر ابزار تعديل کننده‌ای وجود نداشته باشد ممکن است فاصله طبقاتی گسترش یابد.

بنابراین افراد جامعه به طور کلی به چهار گروه تقسیم می شوند که دو گروه از آنها نیاز به حمایت مالی دارند. بخشی از درآمدی که از سرمایه گذاری در این ثروتها خداداد نصیب دولت می شود

می‌تواند منبعی برای تأمین حمایتهای فوق باشد. منابع درآمدی دیگر چون خمس، زکات، صدقات، کفارات و درآمد موقوفات نیز در کنار درآمدهای حاصل از ثروتهاخ دخداداد می‌تواند در تقویت تأمین اجتماعی و حمایت از اقشار محروم به کارگرفته شود.

۳- استفاده از سیاست بودجه به عنوان ابزاری برای حفظ اشتغال در سطحی بالا، در صد معقولی از ثبات سطح عمومی قیمتها و نرخ مناسبی برای رشد، با توجه به آثار آن بر تجارت و تراز پرداختها، همه اینها در حیطه وظیفه تثیت قرار می‌گیرد.

بهره‌برداری از ثروتهاخ ملی از روش‌های مختلف (تصدی، مشارکت و واگذاری) مستلزم استفاده از نیروهای انسانی ساده و متخصص در بخش‌های مختلف اقتصادی است که این امر موجب افزایش فرصت‌های شغلی در سطح جامعه خواهد شد، خصوصاً با توجه به اینکه در تمام روشها دولت می‌تواند شرایط مورد نظر خود را اعمال کند. با اولویت دادن به طرحهای کاربر می‌توان زمینه بیشتری را برای اشتغال فراهم آورد. افزایش اشتغال و ایجاد ظرفیت‌های جدید برای تولید همچنین می‌تواند در ثبات نسبی سطح عمومی قیمتها و شکوفایی و رشد اقتصاد نیز مؤثر باشد.

### تأثیر انفال بر بخش‌های اقتصاد

با توجهی دقیق به موارد انفال و دیگر ثروتهاخ طبیعی و گستردگی آنها، اهمیت و نقششان در اقتصاد معلوم می‌شود. زمینهای دایر و بایر، جنگلهای، دریاهای، رودخانه‌ها، فضا، معادن، اموال و سرمایه‌هایی که از طرق مختلف نصیب دولت اسلامی می‌شود از عوامل تعیین‌کننده در پیشرفت و رشد اقتصاد و پویایی آن است. در این قسمت به این آثار در بخش‌های مختلف اقتصاد اشاره خواهیم کرد. بدیهی است نسبت به اینکه دولت چه روشی را برای بهره‌گیری از این منابع مورد استفاده قرار می‌دهد تأثیر آن متفاوت خواهد بود.

#### ۱- رشد و توسعه همه جانبه اقتصاد

آباد سازی اراضی موات و به کارگیری آنها در بخش کشاورزی، دامداری و مسکن و

صنعت، و همچنین استفاده از اراضی آبادی که جزء انفال هستند، موجب افزایش حجم تولید ناخالص ملی و رشد بخش‌های اقتصادی خواهد شد. همچنین بهره‌گیری از آبهای بدون استفاده رودخانه‌ها و دریاها، استخراج معادن و تبدیل آنها به فراورده‌های صنعتی و ... نیز به رشد و شکوفایی اقتصاد کمک خواهد کرد. بدیهی است رسیدن به این مهم از راههای دوم و سوم، یعنی مشارکت با بخش خصوصی و واگذاری به آن عملی تر خواهد بود.

## ۲- ایجاد اشتغال و فرصت‌های شغلی

به کارگیری منابع، مستلزم استفاده از نیروهای ساده و متخصص در بخش‌های مختلف است که موجب افزایش فرصت‌های شغلی در سطح جامعه می‌گردد. این مقصود در هر سه روش (تصدی، مشارکت و واگذاری) تأمین خواهد شد.

از سیاست‌هایی که در صدر اسلام توسط پیامبر اکرم (ص) برای اشتغال مسلمانان به اجرا درآمد، بسته شدن قراردادهای مزارعه، مساقات و مضاریه میان مهاجران (صاحبان نیروی کار) و انصار (صاحبان مزارع و سرمایه) بود. توسعه فعالیتهای تولیدی و بازرگانی، تولید کل را در جامعه مسلمانان بالا برد و باعث افزایش اشتغال نیروی کار و زمین و سرمایه‌های مسلمانان گردید. علاوه بر این در همان دوران از طرف نبی اکرم (ص) زمینهایی برای ساختن مسکن میان مهاجران تقسیم شد. این اقدام، اشتغال و خانه‌سازی را در مدینه افزایش داد و یکی از نیازهای ضروری مسلمانان یعنی مسکن را رفع کرد و از این طریق، سطح رفاه کل مسلمانان ارتقا یافت.

۳- تأثیر در توزیع درآمد و گام برداشتن درجهت عدالت اقتصادی و رفع فقر

همان‌طور که در بخش پیشین گذشت، یکی از اهدافی که دولت در انعقاد قرارداد مشارکت با گروههای مختلف درآمدی جامعه و همچنین در واگذاری مالکیت یا منافع این منابع به گروهها دنبال می‌کند، تأثیر در وضعیت درآمدی طبقات مختلف جامعه است. نیز گفته شد که بدین منظور نسبت به سطح درآمدی گروههای مختلف، دولت

سهم متفاوتی از سود برای خود قرار می‌دهد و با قیمت واگذاری یا اجاره آن را متناسب با آن تعیین می‌کند و از بعضی از طبقات نیز نه فقط چیزی دریافت نمی‌کند بلکه مبلغی را هم به آنها کمک می‌کند. این کار از طریق تعاونی‌ها نیز می‌تواند صورت پذیرد. صرف نظر از اینکه این منابع به چه روشی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند، دولت می‌تواند از طریق هزینه کردن درآمد آنها، در بخشها و گروههای خاص، توزیع درآمد در جامعه را به اجرا درآورد و با تقویت تأمین اجتماعی، به از بین بردن ریشه‌های فقر کمک کند. همچنین افزایش فرصت‌های شغلی ایجاد شده در اثر بهره‌گیری از این منابع می‌تواند از گامهای مؤثر و اساسی در قطع کردن ریشه‌های فقر و حرکت به سوی رفاه عمومی باشد.

### کنترل سطح قیمت‌ها

هرگاه به علت افزایش جمعیت و ایجاد تقاضای اضافی در جامعه یا بنا به علل دیگر، قیمت‌ها افزایش یابد، قدرت خرید طبقات کم درآمد جامعه کاهش خواهد یافت. در این وضعیت، دولت می‌تواند با بستن قراردادهای جدید و عرضه قسمتی از ثروت‌های طبیعی جهت بهره‌برداری و بکارگیری، یا سهل کردن شرایط قراردادها و از جمله کاهش سهم سود دولت، حق امتیاز و اجاره زمین و معادن، زمینه افزایش عرضه کالاها را در جامعه فراهم آورد، از افزایش قیمت‌ها جلوگیری کند یا اینکه موجب کاهش قیمت‌ها شود.

همچنین درآمد بدست آمده از این ثروتها برای دولت موجب می‌شود دولت برای جبران کسر بودجه خود نیاز به گرفتن مالیات‌های سنگین از تولیدکنندگان و همچنین استقراض از بانک مرکزی پیدا نکند و این به نوبه خود در جلوگیری از تورم در سطح جامعه مؤثر است.

### فهرست منابع و مأخذ

#### الف - منابع فارسی

- ۱- امام خمینی، صحیفه نور.
- ۲- دهخدا، علی اکبر؛ لغت‌نامه.

- ۱- گروهی از نویسندهای خصوصی سازی از تئوری تا عمل، انتشارات آگاه، ۱۳۷۶.
- ۲- متولی، محمود؛ خصوصی سازی یا ترکیب مطلوب دولت و بازار، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۷۳.
- ۳- ماسکریو، ریچارد ویلی ب ماسکریو، مالیه عمومی در تئوری و عمل، ترجمه مسعود محمدی و یدالله ابراهیمی، ج ۱، سازمان برنامه و بودجه.
- ۴- معین، محمد؛ فرهنگ فارسی.
- ۵- میکسل، ریموند، اف؛ توسعه اقتصادی و محیط زیست؛ ترجمه حمیدرضا ارباب؛ سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۶.
- ۶- نیلی، مسعود؛ اقتصاد ایران، مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه، ۵ و ۱۳۷۴.
- ۷- وحیدی، حسین، تاریخ عقاید اقتصادی؛ انتشارات کتابخانه سنایی، ۱۳۴۶.

### ب - منابع عربی

#### قرآن کریم

- ۱- ابن منظور، لسان العرب.
- ۲- ابو داود، کتاب بیع.
- ۳- الامام خمینی؛ کتاب البیع، چاپ چهارم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۶۸.
- ۴- الطباطبائی الحکیم، السید محسن، مستمسک العروة الوثقی، ج ۹، بیروت: دارایه اتراث العربی.
- ۵- العاملی، محمد بن الحسن الحسن؛ وسائل اشیعه.
- ۶- الكلیمی، محمد یعقوب؛ الکافی؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۷- المجلسی، محمد باقر؛ بحار الانوار.
- ۸- المحقق الحلی؛ شرایع الاسلام.
- ۹- امام خمینی؛ تحریر الوسیله؛ ج ۲، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- ۱۰- غررالحكم.
- ۱۱- نجفی، شیخ محمدحسین، جواهر الكلام.